

Identifying Incentive and Disincentive Factors Effects on Willingness to Share Knowledge in Online Scientific Social Networks

Sahar Anbaraki

M. A. of Knowledge and Information Science; Shiraz University;
Corresponding Author S.anbaraki@areeo.ac.ir

Abdolrasool Jowkar

Phd.; Prof.; Department of Knowledge and Information Science;
Shiraz University; Faculty of Education and Psychology,
Department of Knowledge and Information Science;
Ajowkar2003@yahoo.com

Saeideh Ebrahimi

Phd.; Assistant Prof.; Department of Knowledge and Information
Science; Shiraz University; Faculty of Education and Psychology,
Department of Knowledge and Information Science;
Sebrahimi.shirazu@gmail.com

Iranian Journal of
**Information
Processing and
Management**

Iranian Research Institute
for Science and Technology

ISSN 2251-8223

eISSN 2251-8231

Indexed by SCOPUS, ISC, & LISTA

Vol. 33 | No. 3 | pp. 487-514

Spring 2018



Received: 18, Dec. 2016 | Accepted: 24, May 2017

Abstract: The current study aimed to develop strategies to improve knowledge sharing on online scientific social networks by identifying incentive and disincentive factors that have effects on willingness to share knowledge.

Applied research was used to collect data using cluster sampling. The study population consisted of Shiraz University and Persian Gulf University faculties. A sample of 269 persons was determined by Morgan table according to whole population (900 persons). In order to gather data the questionnaire by Zhao was used.

Findings showed that common vision, factors shared vision with the mean difference 4/82, reciprocity with the mean difference 4/04 and confidence in sharing with the mean difference 3/34, have the most effects and can be used as basis of knowledge sharing development strategies. Social affiliation with an average -0/42 has negative effect to knowledge sharing. Given the positive impact of a shared vision, mutual interaction and confidence in the desire to share knowledge, it is possible by creating specialized scientific social networks to allow the presence of researchers of the same field and with the same realms.

Keywords: Knowledge Sharing, Incentives, Disincentives, Researchers, University of Shiraz, University of Persian Gulf, Online Scientific Social Networks

شناخت عوامل مشوق و بازدارنده تسهیم

دانش در شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته

سحر انبارکی

کارشناسی ارشد علم اطلاعات و دانش‌شناسی؛
دانشگاه شیراز؛
پدیده‌آور رابط s.anbaraki@areeo.ac.ir

عبدالرسول جوکار

دکتری؛ علم اطلاعات و دانش‌شناسی؛
استاد بخش علم اطلاعات و دانش‌شناسی؛
دانشگاه شیراز Ajoykar2003@yahoo.com

سعیده ابراهیمی

دکتری؛ علم اطلاعات و دانش‌شناسی؛ استادیار؛
بخش علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه شیراز؛
Sebrahimi.shirazu@gmail.com

پژوهش‌نامه
پوداژش و
مدیریت
اطلاعات

مقاله برای اصلاح به مدت ۲ روز نزد پدیدآوران بوده است.

پذیرش: ۱۳۹۷/۰۳/۰۳

دریافت: ۱۳۹۵/۰۹/۲۸

فصلنامه | علمی پژوهشی
پژوهشگاه علوم و فناوری اطلاعات ایران
شاپا (چاپی) ۲۲۵۱-۸۲۳۳
شاپا (الکترونیکی) ۲۲۵۱-۸۲۳۱
نمایه در SCOPUS، ISI، LISTA و
zjpm.irandoc.ac.ir
دوره ۳۳ | شماره ۳ | صص ۹۷۷-۹۹۸
بهار ۱۳۹۷

چکیده: هدف پژوهش حاضر توسعه راهبردهای بهبود تسهیم دانش در شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته از طریق شناخت عوامل مؤثر و بازدارنده بر تمایل به اشتراک دانش در این شبکه‌هاست.

این پژوهش از نظر هدف، کاربردی و از نظر شیوه گردآوری داده‌ها، توصیفی از نوع پیمایشی و با روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انجام شده است. جامعه پژوهش را کلیه پژوهشگران (اعضای هیئت علمی) دو دانشگاه «شیراز» و «خلیج فارس بوشهر» تشکیل می‌دهند که با توجه به جمعیت ۹۰۰ نفری، ۲۶۹ نفر از این جامعه بر مبنای جدول «مورگان» به‌عنوان نمونه تعیین گردید. گردآوری داده‌ها بر مبنای پرسشنامه بررسی عوامل مؤثر بر اشتراک دانش در جوامع مجازی «ژائو» انجام گرفت.

یافته‌ها نشان داد که از بین عوامل مؤثر بر تمایل پژوهشگران به اشتراک دانش، به ترتیب، عوامل «چشم‌انداز مشترک» با اختلاف میانگین ۴/۸۲، «عمل متقابل» با اختلاف میانگین ۴/۰۴ و «اطمینان در تمایل به اشتراک‌گذاری» با اختلاف میانگین ۳/۳۴ دارای بیشترین سهم در افزایش تمایل پژوهشگران به اشتراک دانش هستند. در این بین «وابستگی اجتماعی» با میانگین ۰/۴۲- و نمره t، ۴/۴۸- و با توجه به معنادار شدن رابطه، تأثیر بازدارنده بر تمایل به اشتراک دانش داشته است.

با توجه به تأثیر مثبت «چشم‌انداز مشترک»، «عمل متقابل» و «اطمینان در تمایل به اشتراک دانش» می‌توان با ایجاد شبکه‌های اجتماعی علمی-



تخصصی، امکان حضور پژوهشگران هم‌رشته و با قلمروهای مشابه را فراهم کرد تا بدین طریق به تبادل دانش تخصصی با یکدیگر پردازند. همچنین، با ایجاد زمینه‌های آشنایی بیشتر پژوهشگران با این شاهراه‌های ارتباط علمی، می‌توان علاوه بر تشویق آنان به استفاده و اشتراک دانش بیش از پیش در شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته، سرعت تولید علم را نیز بالا برد.

کلیدواژه‌ها: اشتراک دانش، عوامل مشوق، عوامل بازدارنده، پژوهشگران، دانشگاه شیراز، دانشگاه خلیج فارس، شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته

۱. مقدمه

دانش، دارایی شناخته‌شده‌ای است که با سهم‌شدن دیگران در آن افزایش می‌یابد و تسهیم و توزیع آن به رشد آن کمک می‌کند. در واقع، ارائه‌دهندگان دانش با عرضه محصول خود، دانش خود را از دست نمی‌دهند، بلکه بر اندوخته دانش خود می‌افزایند و برخی از کاستی‌های علمی خود را اصلاح می‌کنند (Dalkir 2005). یکی از راه‌های ایجاد ارزش افزوده برای دانش، اشتراک‌گذاری آن است. اشتراک دانش، فرایند ارتباط بین دو یا چند نفر است که شامل انتقال و کسب دانش می‌شود (Ku and Fun 2009). یکی از راه‌های مناسب و کارآمد برای به‌اشتراک‌گذاری دانش توسط افراد با توجه به پیشرفت‌های اخیر فناوری اطلاعات و اینترنت، استفاده از شبکه‌های اجتماعی پیوسته است. این شبکه‌ها، که زمان چندانی هم از پیدایش آن‌ها نمی‌گذرد، به موضوع مورد علاقه و قابل بحث بسیاری از پژوهشگران قلمروهای مختلف از جمله علوم ارتباطات اجتماعی تبدیل شده است (اصنافی و همکاران ۱۳۹۴).

شبکه‌های اجتماعی به دو دسته شبکه‌های اجتماعی عمومی^۱ و شبکه‌های اجتماعی حرفه‌ای و علمی^۲ تقسیم‌بندی می‌شوند. شبکه‌های اجتماعی عمومی عرصه‌هایی در دنیای مجازی هستند که افراد می‌توانند خود را معرفی و دوستان جدیدی پیدا کنند، با دیگران در زمینه‌های مورد علاقه ارتباط برقرار نمایند، عقاید و نظرات خود را با یکدیگر به اشتراک بگذارند و در یک کلام، اجتماعی جدید را تجربه کنند. از جمله این شبکه‌ها

1. popular social networks

2. scientific social networks

می‌توان «فیس‌بوک»^۱ و «توییتر»^۲ را نام برد (نیازمند ۱۳۹۲).

دسته دوم، شبکه‌های اجتماعی علمی یا حرفه‌ای است. این نوع از شبکه‌ها صرفاً به منظور شکل‌گیری پژوهش‌های علمی و به اشتراک‌گذاری دانش پژوهشگران با یکدیگر به کار می‌روند. این شبکه‌ها می‌توانند قابلیت‌های اساسی را برای فعالیت‌های آموزشی و پژوهشی پژوهشگران ارائه کنند و مجراهای اطلاع‌یابی را در جهت آموزش، تنوع بخشیده و گسترده سازند، به گونه‌ای که افراد بتوانند بدون صرف وقت و هزینه رفت‌وآمد برای حضور در محیط آموزشی با متخصصان و پژوهشگران رشته‌های مختلف در تعامل باشند و اطلاعات و دانش مورد نیاز خود را سریع‌تر و به سهولت به دست آورند (همان). از جمله این شبکه‌ها می‌توان به «ریسرچ‌گیت»^۳، «آکادمیا»^۴، «مندلی»^۵ و «لینکدین»^۶ اشاره کرد. بیشتر کاربران شبکه‌های اجتماعی پیوسته در هنگام نیاز، به جست‌وجوی دانش در این شبکه‌ها می‌پردازند و تعداد نسبتاً محدودی از کاربران در اشتراک‌گذاری دانش، مهارت لازم یا تمایل برای این کار را دارند. بنابراین، شناخت عوامل تمایل به اشتراک‌گذاری دانش، موضوعی مهم و قابل بحث است.

بررسی پژوهش‌ها نشان می‌دهد که عوامل مؤثر در تمایل به اشتراک دانش در شبکه‌های اجتماعی از سه بُعد فایده و لذت^۷، هزینه^۸ و سرمایه اجتماعی^۹ (عوامل زمینه‌ای) مورد توجه قرار گرفته است:

از بُعد فایده و لذت، افراد به گونه‌ای رفتار می‌کنند که یا بیشترین منافع را برای آن‌ها به دنبال داشته باشد و افراد دیگر نیز در مقابل، همان کار را برای آن‌ها انجام دهند (انتظار پاداش و عمل متقابل) (Zhao 2010)، یا باعث ایجاد مقام و احترام برای او شود (کسب شهرت و اعتبار) (Jones, Cline & Ryan 1997). گاهی اوقات نیز افراد بدون انتظار از طرف مقابل و تنها با انگیزه میل به کمک به دیگران به اشتراک دانش می‌پردازند

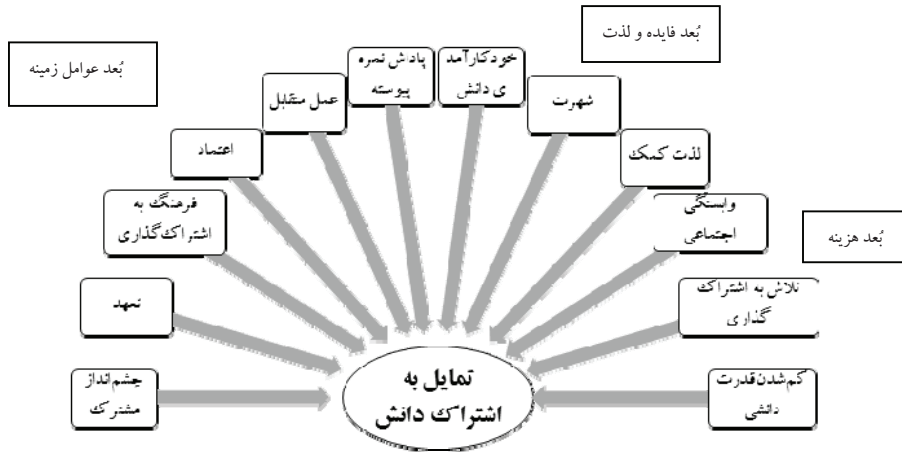
-
1. Facebook
 2. Twitter
 3. ResearchGate
 4. Academia
 5. Mendeley
 6. LinkedIn
 7. benefits
 8. costs
 9. social capital (contextual factors)

(لذت کمک) (Davenport and Prusak 1998). «هی و وی» بر این باورند که می‌توان از طریق به‌اشتراک‌گذاری دانش تعامل اجتماعی مداوم با دیگران برقرار کرد (وابستگی اجتماعی) (He and Wei 2009). به‌عنوان آخرین عامل بُعد فایده و لذت می‌توان از خود کارآمدی دانش به‌عنوان یک خودمحرک^۱ نام برد که در آن افراد با داشتن سطح بالایی از اعتماد به نفس در توانایی خود برای ارائه دانش ارزشمند به دیگران، بیشتر مایل به اشتراک دانش با دیگران هستند.

بُعد هزینه اشتراک دانش، تلاش به‌اشتراک‌گذاری و کم‌شدن قدرت دانشی را شامل می‌شود. تلاش به اشتراک‌گذاری دانش شامل تلاش و زمانی است که فرد برای جواب‌دادن و به اشتراک گذاشتن آن در شبکه صرف می‌کند (Ba, Stallert and Whinston 2001; Markus 2001). کم‌شدن قدرت دانشی نیز به این معناست که هنگامی که شخص دانش با ارزش خود را با دیگران به اشتراک می‌گذارد، در واقع بخشی از قدرت خود را با آن‌ها شریک شده و یا به آن‌ها بخشیده است (Galbraith 1967) و بنابراین، قدرت فرد کاهش یافته است (Gray 2001).

از بُعد سرمایه اجتماعی، اعتماد، عامل مهمی در تمایل به اشتراک دانش است. در واقع، زمانی که دو طرف به یکدیگر اعتماد می‌کنند، تمایل بیشتری برای به‌اشتراک‌گذاری منابع خود دارند، بدون این که هیچ‌گونه نگرانی از مورد سوء استفاده قرار گرفتن این منابع از سوی طرف مقابل داشته باشند (Brach and Acles 1989). از دیگر عوامل این بُعد هنجار اشتراک‌گذاری است که در جامعه می‌تواند به‌عنوان یک جریان آزاد اطلاعات (فضای باز) بر اساس اعتماد (انصاف) و هنجارهای اجتماعی (هویت/ شناسایی) در نظر گرفته شود (Yo, Lu and Lio 2010). علاوه بر این دو عامل، احساس تعهد نیز می‌تواند در تمایل افراد در به‌اشتراک‌گذاری دانش در یک جمع تأثیرگذار باشد (Cabrera, Collins and Salgado 2006). آخرین عامل در بُعد سرمایه اجتماعی چشم‌انداز مشترک است که اگر این عامل بین اعضای شبکه‌های انسانی وجود داشته باشد، فعالیت‌های مشترک را توسعه می‌بخشد (Cohen and Prusak 2001).

به‌طور خلاصه، می‌توان عوامل مؤثر بر تمایل به اشتراک دانش را در سه بُعد هزینه، فایده و لذت و عوامل زمینه‌ای در شکل ۱ نشان داد.



شکل ۱. عوامل مؤثر بر تمایل به اشتراک دانش در شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته (Zhao 2010)

با وجود ویژگی‌های برجسته‌ای که درباره فناوری اینترنت گفته شد، به نظر نمی‌رسد که فناوری اطلاعات به‌تنهایی برای به‌اشتراک‌گذاری دانش کافی باشد و تمایل افراد مسئله‌ای مهم در به‌اشتراک‌گذاری دانش است.

این موضوع در شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته که افراد، تخصص و تجربه خود را به اشتراک می‌گذارند، نمود بیشتری دارد و منجر به پرسشی مهم و قابل بحث در این باره می‌شود که چگونه می‌توان افراد را برای به‌اشتراک‌گذاری دانش و تجربه خود تشویق و در نتیجه، اشتراک دانش در این شبکه‌ها را ترویج داد؟ این پرسش در واقع چالش بزرگی است که بسیاری از شبکه‌های اجتماعی مبتنی بر دانش با آن مواجه هستند. در جهان فیزیکی، تمایل فرد برای به‌اشتراک‌گذاری دانش ممکن است فقط مشروط به شناخت خوب از طرف مقابل باشد، ولی در جوامع مجازی این کار ممکن نیست، به این دلیل که این جوامع گاه از هزاران هزار نفر تشکیل شده و شناخت همه این افراد امکان‌پذیر نیست. علاوه بر این، به‌اشتراک‌گذاری دانش با دیگران مستلزم صرف هزینه‌هایی همچون زمان و تلاش برای ارائه‌دهنده دانش است و همین موضوع تمایل برای اشتراک دانش در این شبکه‌ها را مشروط به ایجاد فضا و قابلیت‌های خاصی می‌کند.

از طرف دیگر، به اشتراک گذاشتن انتشارات علمی در شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته علاوه بر افزایش چشمگیر مقالات، باعث افزایش بارگذاری آن‌ها به‌وسیله موتورهای جست‌وجو نیز می‌شود. همچنین، به اشتراک گذاشتن انتشارات علمی در

شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته موجب تسهیل برقراری ارتباط بین پژوهشگران و بهبود کیفیت پژوهش و پیشبرد اهداف علمی است. بنابراین، شناخت عواملی که باعث تمایل به اشتراک‌گذاری و تبادل دانش بین پژوهشگران می‌شود، بسیار مهم و ضروری است، چون از یک طرف انجام درست و به موقع فعالیت‌های پژوهشی به ارتباط و اشتراک‌گذاری دانش بین افراد بستگی دارد و از طرف دیگر، حیات این شبکه‌ها در گرو به اشتراک‌گذاری دانش بین اعضای خود است.

با توجه به اهمیت این شبکه‌ها در شکل‌گیری ارتباط مؤثر بین پژوهشگران در سراسر جهان و پیشبرد و توسعه اهداف پژوهشی و نظر به پژوهش‌های اندکی که به خصوص در داخل کشور در ارتباط با شبکه‌های اجتماعی و به‌طور خاص شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته و عوامل مؤثر در اشتراک دانش تخصصی بین پژوهشگران صورت گرفته، پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل مؤثر و بازدارنده بر تمایل پژوهشگران به اشتراک دانش و شرکت در فعالیت‌های دانشی شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته و معرفی مؤثرترین عوامل در راستای توسعه راهبردهای بهبود تسهیم دانش در این شبکه‌ها انجام گرفته است.

۲. پیشینه پژوهش

پژوهش‌های انجام گرفته در این بخش به دو دسته موضوعی تقسیم‌بندی شده‌اند: دسته نخست، معرفی پژوهش‌هایی است که با هدف بررسی قابلیت‌های شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته انجام گرفته‌اند و دسته دوم، پژوهش‌هایی است که به بحث اشتراک دانش و عوامل مؤثر بر آن در شبکه‌های اجتماعی از هر دو نوع عمومی و اختصاصی پرداخته‌اند.

در خصوص پژوهش‌هایی که به بررسی قابلیت‌های شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته پرداخته‌اند، می‌توان به پژوهش‌های زیر اشاره کرد:

«اناری، عاصمی و ریاحی‌نیا» در پژوهشی که بین ۷۰ نفر از کتابداران دانشگاه اصفهان انجام دادند، میزان استفاده کتابداران این دانشگاه از ابزارهای شبکه‌های اجتماعی پیوسته در اشتراک دانش را روبه‌پایین گزارش کردند (۱۳۹۱). «بتولی و نظری» در پژوهش خود که از طریق مصاحبه با ۱۰ نفر از پژوهشگران علوم پزشکی فعال در شبکه اجتماعی علمی «ریسرچ‌گیت» انجام دادند، نقش شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته را در تسهیل فعالیت‌های پژوهشی بسیار مؤثر دانستند (۱۳۹۳). «اصنافی» و همکاران در مقاله‌ای که به منظور بررسی

میزان حضور پژوهشگران دانشگاه‌های علوم پزشکی، آزاد، و دولتی شهر اهواز در شبکهٔ علمی «ریسرچ‌گیت» انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که اکثر پژوهشگران هر سه دانشگاه در شبکهٔ علمی فوق حضور فعال دارند و به اشتراک دانش با سایر پژوهشگران می‌پردازند (۱۳۹۴).

در بحث اشتراک دانش در شبکه‌های اجتماعی و عوامل مؤثر بر آن نیز پژوهش‌هایی انجام گرفته است. از این بین می‌توان به پژوهش «کاظمی، وحیدی مطلق و وحیدی مطلق» اشاره کرد که در مقالهٔ خود به گردآوری اطلاعات از ۴۰۰ نفر از اعضای «انجمن گفت‌وگوی مجازی» «پی‌سی‌ورلد»^۱ که از شبکه‌های اجتماعی ایرانی است، پرداختند. نتایج این پژوهش نشان داد که متغیرهای تأثیرگذار بر اشتراک دانش در این جوامع به دو گروه عوامل مفهومی شامل هنجارهای تبادل دانش و اعتماد بین فردی و عوامل فردی شامل خودکارآمدی، مزیت مرتبط درک‌شده و سازگاری درک‌شده طبقه‌بندی می‌شوند (۱۳۹۳).

«ستوده و سعادت» پژوهشی با هدف بررسی عوامل مؤثر بر گرایش شیمی‌دان‌های ایرانی به عضویت در پرمخاطب‌ترین شبکه‌های اجتماعی علمی انجام دادند. داده‌ها حاکی از آن بود که استقبال شیمی‌دان‌های ایرانی از این شبکه‌ها چندان بالا نبوده و دانشمندانی که از مرتبهٔ دانشگاهی بالاتری برخوردار بودند، گرایش بیشتری به عضویت در این شبکه‌ها از خود نشان داده‌اند (۱۳۹۴).

«واسکو و فرج» در مطالعهٔ خود که از طریق نظرسنجی در بین اعضای سه شبکهٔ اجتماعی مشتمل بر ۳۴۲ نفر انجام دادند، به این نتیجه رسیدند که اعضا در درجهٔ اول منافع جامعه، روابط متقابل، و رفتار اجتماعی را از عوامل تمایل به تبادل دانش با دیگران دانسته‌اند (Wasko and Faraj 2005). «سو» و همکاران در سال ۲۰۰۷ فرم نظرسنجی بر روی انجمن بحث «یاهو» با هدف کشف عوامل بازدارنده و مؤثر در رفتار به‌اشتراک‌گذاری دانش انجام دادند. نتایج به‌دست‌آمده از ۲۷۴ فرم نظرسنجی نشان داد که عوامل خودکارآمدی، انتظار نتیجه، و اعتماد اثر مثبتی بر رفتار به‌اشتراک‌گذاری دانش در شبکه‌های اجتماعی دارند (Hsu et al 2007).

«چن و یو» در پژوهشی که در سال ۲۰۱۰ انجام دادند، گرایش به اشتراک دانش،

1. PCWorld

خودکارآمدی دانش، خودکارآمدی، هنجارهای ذهنی و وابستگی اجتماعی را از جمله عوامل مؤثر بر اشتراک دانش در شبکه‌های اجتماعی بیان کردند (Chen and Yu 2010). «لیو، لو و یو» در پژوهش خود، که با نظرسنجی از ۴۴۲ نفر از اعضای سه شبکه اجتماعی پیوسته انجام دادند، عوامل اعتماد، جریان آزاد اطلاعات و فرهنگ اشتراک گذاری را در اشتراک گذاری داوطلبانه دانش در بین اعضای شبکه‌های اجتماعی مؤثر دانستند (liu, lu and yu 2010).

«چن و یو» در مطالعه‌ای که بر روی ۳۲۳ نفر از اعضای شبکه‌های اجتماعی انجام دادند، عوامل مؤثر در رفتار اشتراک گذاری دانش توسط اعضا در این شبکه‌ها را عمل متقابل، اعتماد بین فردی، و خودکارآمدی بیان کردند (Chen and Yu, 2010). «ژائو» در پایان‌نامه دکتری خود از طریق نظرسنجی اینترنتی از ۹۶۸ نفر از اعضای یک شبکه اجتماعی بزرگ IT، عوامل سرمایه اجتماعی و پاداش را از جمله عوامل مؤثر بر تمایل افراد به اشتراک دانش بر شمرد (Zhao 2010).

«چیو، سو و ونگ» در پژوهشی، از تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از ۲۷۰ نفر اعضای یک شبکه اجتماعی حرفه‌ای این‌طور نتیجه گرفتند که خشنودی از اشتراک دانش، عاملی حیاتی در تداوم اشتراک دانش در این جوامع محسوب می‌شود (Chiu, Hsu and Wang 2006).

«ناندز و بورگو» در پژوهشی که به بررسی استفاده از شبکه‌های اجتماعی برای مقاصد پژوهشی می‌پرداخت، دریافتند که استفاده از شبکه‌های اجتماعی باعث معرفی بیشتر پژوهشگران و انتشارات علمی آن‌ها خواهد شد (Nández & Borrego 2013). همچنین، «ثلوال و کوشا» نیز پژوهشی در سال ۲۰۱۴ با هدف بررسی گرایش به عضویت در شبکه‌های اجتماعی انجام دادند و بیان داشتند که گرایش زنان و مردان در این خصوص برابر بوده است (Thelwall & Kousha 2014).

«یائو، تی سای و فنگ» در نظرسنجی اینترنتی که در سال ۲۰۱۵ از ۲۲۲ نفر عضو یک شبکه اجتماعی به عمل آوردند، نشان دادند که عوامل سرمایه اجتماعی اثری مثبت بر اشتراک دانش در این جوامع دارند (Yao, Tsai and Fang 2015). «جمالی، نیکلاس و هرمان» با بررسی دیدگاه‌های دانشمندان اروپایی به این نتیجه رسیدند که بسترها و سازوکارهای وب اجتماعی و استفاده از شبکه‌های اجتماعی چندان شناخته شده نیستند (Jamali, Nicholas & Herman 2016).

مطالعه پژوهش‌های انجام گرفته در داخل و خارج از کشور نشان می‌دهد که موضوع شبکه‌های اجتماعی در دهه اخیر بسیار مورد توجه قرار گرفته، ولی هنوز پژوهش‌های جامعی در رابطه با اشتراک دانش و عوامل مؤثر بر آن، به‌خصوص در داخل کشور و با تأکید بر شبکه‌های اجتماعی علمی انجام نشده است. در خارج از کشور نیز با این که پژوهش‌های خوبی حداقل در زمینه عوامل مؤثر بر ترویج به اشتراک گذاری دانش در سال‌های اخیر انجام شده، ولی اکثر این پژوهش‌ها بسیار کلی بوده و در قلمرو شبکه‌های اجتماعی، به‌خصوص از نوع علمی آن، هنوز جای کار زیادی وجود دارد. البته، با توجه به مطالعات انجام شده و جایگاه ویژه این شبکه‌ها در تولید، انتقال و ترویج دانش و نقش مؤثر آن‌ها در امور پژوهشی به‌خصوص در سال‌های اخیر، انتظار می‌رود که پژوهش‌های بیشتری در رابطه با اهمیت شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته در سال‌های آینده انجام گیرد.

۳. پرسش‌های پژوهش

۱. عوامل مشوق و بازدارنده در تمایل پژوهشگران به اشتراک دانش در شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته کدام‌اند؟
۲. از بین عوامل مشوق، کدام عوامل بیشترین تأثیر را در تمایل پژوهشگران به اشتراک دانش در شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته دارند؟

۴. روش پژوهش

روش پژوهش حاضر، پیمایشی توصیفی و از نظر هدف، کاربردی است. جامعه پژوهش در این مقاله ۹۰۰ نفر از اعضای هیئت علمی دو دانشگاه «شیراز» و «خلیج فارس بوشهر» بودند که بر طبق جدول «مورگان» ۲۶۹ نفر به‌عنوان نمونه پژوهش در نظر گرفته شد. از این بین ۱۹۴ نفر (۷۲/۲ درصد) سهم دانشگاه «شیراز» و ۷۵ نفر (۲۸/۸ درصد) سهم دانشگاه «خلیج فارس بوشهر» بود. با توجه به وجود دانشکده‌های متعدد در هر دو دانشگاه، برای مشخص شدن این که از هر دانشکده به چند عضو هیئت علمی پرسشنامه داده شود، ابتدا از طریق نمونه‌گیری خوشه‌ای از هر دانشگاه ۵ خوشه به‌طور تصادفی انتخاب و متناسب با حجم نمونه به توزیع پرسشنامه به‌روش نمونه در دسترس پرداخته شد. در دانشگاه «شیراز» دانشکده‌های حقوق، علوم تربیتی، مهندسی مکانیک، فیزیک و شیمی و با توجه به نمونه ۱۹۴ نفری سهم هر دانشکده ۳۹ نفر و در دانشگاه «خلیج فارس بوشهر» دانشکده‌های

ادبیات و علوم انسانی، علوم پایه، مهندسی نفت، مهندسی کامپیوتر و کشاورزی و سهم هر دانشکده ۱۵ نفر عضو هیئت علمی تعیین شد.

ابزار جمع‌آوری اطلاعات پرسشنامه‌ای بود که توسط «ژائو» ساخته شده بود. این پرسشنامه با ایجاد تغییرهای جزئی در اختیار جامعه پژوهش قرار گرفت. «ژائو» در پژوهش خود هر دو نوع شبکه‌های اجتماعی پیوسته (عمومی و علمی) را در نظر گرفته است (Zhao 2010). در پژوهش حاضر، که با توجه به هدف آن فقط شبکه‌های اجتماعی علمی و جامعه پژوهش است و پژوهشگران را شامل می‌شود، تغییرهایی در همین راستا اعمال گردید. از ۲۶۹ پرسشنامه توزیع شده در بین جامعه پژوهش، ۲۲۳ پرسشنامه (۸۲/۹ درصد) برگشت داده شد. از این تعداد، ۱۵۲ نفر را پژوهشگران مرد و ۷۱ نفر را پژوهشگران زنان تشکیل می‌دادند. سنین بین ۳۱ تا ۴۰ سال و مرتبه علمی استادیار بیشترین گروه پاسخ‌دهندگان را تشکیل می‌دادند. همچنین، بیشترین پاسخ‌دهندگان را به ترتیب، پژوهشگران دانشکده‌های علوم پایه، علوم تربیتی و مهندسی تشکیل می‌دادند.

برای سنجش روایی صوری و محتوایی پرسشنامه از نظرات ۱۰ نفر از استادان رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی دو دانشگاه شیراز و علوم پزشکی «بوشهر» استفاده شده و اصلاحات لازم انجام پذیرفت. پایایی پرسشنامه نیز به روش آلفای «کرونباخ» بررسی گردید و با نمره قابل قبول ۰/۹۱ مورد تأیید قرار گرفت.

در این پژوهش برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از نرم‌افزار آماری «اس‌پی‌اس‌اس»^۱ نسخه ۲۱ استفاده شد.

۵. یافته‌های پژوهش

به‌منظور بررسی و تعیین عوامل مؤثر و بازدارنده در تمایل پژوهشگران به اشتراک دانش در شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته و معرفی مؤثرترین عوامل، با توجه به نرمال‌بودن توزیع داده‌ها، که با استفاده از آزمون «کولموگروف اسمیرنوف» مورد تأیید قرار گرفت، از آزمون t تک‌نمونه‌ای و محاسبه مقدار اختلاف میانگین استفاده شد.

◇ بررسی عوامل مشوق و بازدارنده در تمایل پژوهشگران به اشتراک دانش در شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته

1. SPSS

همان‌گونه که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، بیشترین فراوانی تعداد پرسش‌های پرسشنامه در «بعد فایده و لذت» با ۱۵ پرسش و بعد از آن «بعد عوامل زمینه‌ای» با ۱۳ پرسش است و «بعد هزینه» نیز ۴ پرسش از پرسش‌های پرسشنامه را شامل می‌شود. در این جدول نمره معیار همان مقدار میانگین قابل انتظار برای هر عامل است که با توجه به تعداد پرسش‌های مربوط به هر عامل به دست می‌آید. همان‌گونه که مشاهده می‌شود، از بین ۱۲ عامل تمایل در به اشتراک گذاری دانش، کم‌شدن قدرت دانشی با انحراف معیار ۲ و کسب نمره t ، $-0/63$ و سطح معناداری $0/52$ با نمره معیار تفاوت معناداری ندارد و این عامل، تأثیری بر تمایل پژوهشگران به اشتراک دانش ندارد. ولی، برای ۱۱ عامل دیگر بین نمره معیار و میانگین کسب‌شده تفاوت معنادار وجود دارد. از بین ۱۱ عاملی که بر تمایل پژوهشگران به اشتراک دانش اثرگذار هستند، تنها «وابستگی اجتماعی» با میانگین کسب‌شده $-0/42$ ، انحراف معیار $1/42$ و کسب نمره t ، $-4/48$ و با توجه به معنادار بودن، می‌تواند تأثیر منفی بر تمایل پژوهشگران به اشتراک دانش داشته باشد و به نظر می‌رسد بقیه عوامل تأثیر مثبت و مستقیم بر تمایل آن‌ها به شرکت در فعالیت‌های دانشی در شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته دارند.

◇ شناخت مؤثرترین عوامل در تمایل پژوهشگران به اشتراک دانش در شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته

همان‌طور که در جدول ۱ مشاهده می‌شود، از بین ۱۰ عاملی که تأثیر مثبت بر تمایل پژوهشگران به اشتراک دانش در شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته دارند، با توجه به اختلاف میانگین کسب‌شده زیرمؤلفه چشم‌انداز مشترک و عمل متقابل با اختلاف میانگین $4/82$ و $4/04$ بیشترین میزان تأثیر را در افزایش تمایل پژوهشگران به اشتراک دانش در شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته دارند و بعد از آن دو زیرمؤلفه «اطمینان در اشتراک‌گذاری» و «لذت کمک» با اختلاف میانگین $3/34$ و $3/01$ قرار می‌گیرند.

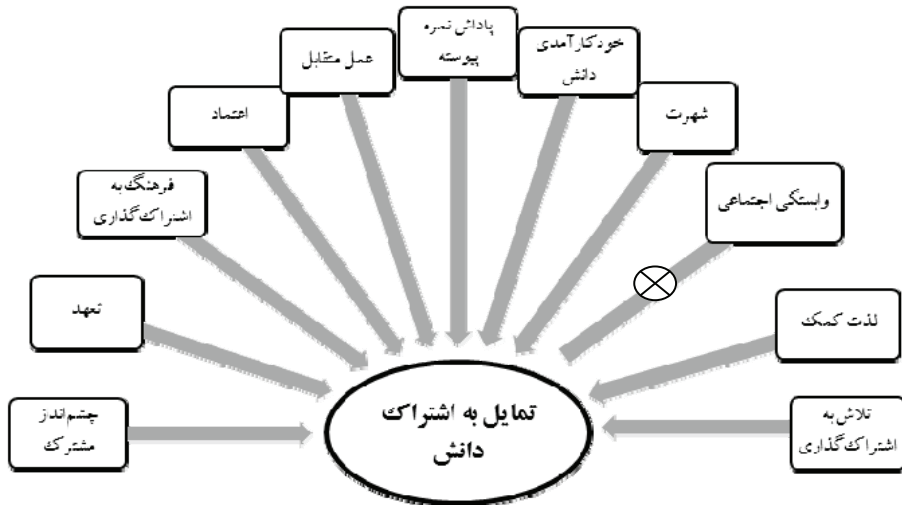
لازم به توضیح است که در این جدول مقدار میانگین همان میانگین کسب‌شده از نمرات پاسخ‌دهندگان است. میانگین قابل انتظار نیز حد میانگین تعداد سؤالات است. به‌عنوان مثال، اگر دو سؤال ۵ گزینه‌ای طیف «لیکرت» وجود داشته باشد، می‌توان با طیف امتیازات ۱ تا ۱۰ نمره بگیرد و میانگین آن‌ها ۵ می‌شود. اختلاف میانگین، میزان اختلاف نمرات کسب‌شده از مقدار میانگین و میانگین قابل انتظار است و هرچه اختلاف میانگین یک عامل بیشتر باشد، تأثیر این عامل در تمایل پژوهشگران به اشتراک دانش نیز

بیشتر خواهد بود (داگلاس و گومری، ۲۰۱۲).

جدول ۱. توزیع میانگین، انحراف معیار و مقایسه میانگین تک نمونه‌ای عوامل ۱۲ گانه اشتراک دانش

ابعاد	متغیر	تعداد سوالات	میانگین معیار	انحراف معیار	میانگین قابل انتظار	اختلاف میانگین	نمره t	سطح معناداری
بُعد هزینه	کم شدن قدرت دانشی	۲	۴/۹۱	۲/۰۰	۵	-۰/۰۸	-۰/۶۳	۰/۵۲
	تلاش به اشتراک گذاری	۲	۶/۱۱	۱/۷۴	۵	۱/۱۱	۹/۵۴	۰/۰۰۰۱
بُعد فایده و لذت	وابستگی اجتماعی	۳	۷/۰۷	۱/۴۲	۷/۵	-۰/۴۲	-۴/۴۸	۰/۰۰۰۱
	لذت کمک	۲	۸/۰۱	۱/۷۵	۵	۳/۰۱	۲۲/۵۶	۰/۰۰۰۱
بُعد عوامل زمینه‌ای	وضعیت پیوسته	۳	۱۰/۰۸	۲/۲۸	۷/۵	۲/۵۸	۱۶/۸۶	۰/۰۰۰۱
	خودکارآمدی دانش	۱	۳/۷۷	۰/۸۸	۲/۵	۱/۲۷	۲۱/۵۹	۰/۰۰۰۱
بُعد عوامل زمینه‌ای	پاداش نمره پیوسته	۳	۸/۸۳	۱/۸۹	۷/۵	۱/۳۳	۷/۷۱	۰/۰۰۰۱
	عمل متقابل	۳	۱۱/۵۴	۱/۸۹	۷/۵	۴/۰۴	۳۱/۸۱	۰/۰۰۰۱
بُعد عوامل زمینه‌ای	اطمینان در اشتراک گذاری (اعتماد)	۴	۱۳/۳۴	۲/۴۱	۱۰	۳/۳۴	۲۰/۶۵	۰/۰۰۰۰۱
	چشم انداز مشترک	۴	۱۴/۸۴	۲/۴۱	۱۰	۴/۸۲	۲۹/۸۲	۰/۰۰۰۱
بُعد عوامل زمینه‌ای	هنجارهای به اشتراک گذاری	۲	۶/۹۶	۱/۳۸	۵	۱/۹۶	۲۱/۲۵	۰/۰۰۰۱
	تعهد	۳	۱۰/۰۱	۲/۴۳	۷/۵	۲/۵۱	۱۵/۴۲	۰/۰۰۰۱

با توجه به نتایج به دست آمده از تجزیه و تحلیل داده‌ها می‌توان عوامل مؤثر بر اشتراک دانش در شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته را که در شکل ۱ آمده، به صورت زیر در شکل ۲ اصلاح کرد تا با در نظر گرفتن این عوامل سیاست گذاری و برنامه ریزی‌های لازم در خصوص بهبود وضعیت اشتراک دانش در این شبکه‌ها انجام پذیرد.



شکل ۲. عوامل مشوق و بازدارنده بر تمایل به اشتراک دانش در شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته

همان‌گونه که گفته شد، از بین ۱۲ عامل مؤثر بر اشتراک دانش در شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته، کم‌شدن قدرت دانشی از بُعد «هزینه»، در تمایل پژوهشگران به اشتراک دانش تأثیری ندارد. این عامل در شکل ۲، حذف شده است و از بین ۱۱ عامل باقی‌مانده مؤثر، تنها عاملی که تأثیر منفی دارد «وابستگی اجتماعی» است، که مربوط به بُعد «فایده و لذت» است و در شکل با یک خط صاف و یک علامت ضربدر نشان داده شده است. بقیه عوامل که با فلش مشخص شده‌اند، نشان‌دهنده تأثیر مثبت و مستقیم بر تمایل به اشتراک دانش هستند. همچنین، با توجه به نتایج به‌دست‌آمده به نظر می‌رسد عوامل زمینه‌ای در تمایل به تسهیم دانش نقش پررنگ‌تری نسبت به دیگر ابعاد دارند و می‌توان با تقویت کردن عوامل این بُعد، باعث بهبود اشتراک دانش در شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته شد.

۶. بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر به بررسی و شناخت عوامل مشوق و بازدارنده بر تمایل پژوهشگران به اشتراک دانش در شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته پرداخت. بحث اشتراک دانش عامل مهمی است که در حفظ حیات شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته و پیشبرد هرچه سریع‌تر و آسان‌تر امور پژوهشی اهمیت قابل توجهی دارد. دستیابی به این هدف، مستلزم ایجاد

انگیزه و تمایل در اعضای این شبکه‌ها برای شرکت در فعالیت‌های دانشی است. از آنجا که فعالیت در این شبکه‌ها می‌تواند به معرفی بیشتر فعالیت‌های علمی- پژوهشی فردی و سازمانی و در نتیجه افزایش نمایانی پژوهشگران و مقاله‌های آن‌ها و در نتیجه، تقویت نفوذ پژوهشگران در جامعه علمی منجر شود، بنابراین، هر چه سطح فعالیت و اشتراک دانش تخصصی افراد در این شبکه‌ها بیشتر باشد، علاوه بر این که دسترسی افراد به اطلاعات نیز بالاتر خواهد رفت و منجر به پیشبرد اهداف پژوهشی و حفظ حیات این شبکه‌ها خواهد شد، باعث شناخته‌تر شدن و معرفی بیشتر پژوهشگران و انتشارات آن‌ها نیز می‌شود.

در بررسی که بر روی پژوهشگران و اعضاء هیئت علمی دو دانشگاه «شیراز» و «خلیج فارس بوشهر» به جهت شناخت عوامل مشوق و بازدارنده در تمایل به اشتراک دانش در شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته انجام شد، این نتایج به دست آمد که وابستگی اجتماعی از جمله عوامل بازدارنده در تمایل پژوهشگران به اشتراک دانش در شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته است. این بدان معناست که برای اعضاء شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته، تحت تأثیر قرار دادن دیگر اعضاء و یا ایجاد رابطه دوستانه با آن‌ها به واسطه شرکت در فعالیت‌های دانشی و اشتراک دانش تخصصی خود اهمیتی ندارد. این عامل نه تنها باعث تمایل در اشتراک دانش و فعالیت دانشی بیشتر آن‌ها نخواهد شد، بلکه تأثیر منفی نیز در این امر داشته است.

نتیجه به دست آمده از این بررسی با نتیجه پژوهش «واسکو و فرج» که در پژوهش خود مؤثرترین عوامل در تمایل به اشتراک دانش در شبکه‌های اجتماعی از هر دو نوع علمی و عمومی را کسب پاداش، عمل متقابل و وابستگی اجتماعی بیان کردند (Wasko and Faraj 2005)، همخوانی ندارد. شاید بتوان یکی از دلایل این ناهمخوانی را متفاوت بودن اهداف و جامعه دو پژوهش بیان کرد و یکی دیگر از دلایل متفاوت بودن، جامعه مجازی مورد پژوهش باشد. در پژوهش «واسکو و فرج» شبکه‌های اجتماعی عمومی نیز مورد بررسی قرار گرفته بود. همان گونه که در مقدمه پژوهش نیز گفته شد، یکی از دلایل و اهداف ایجاد و استفاده از شبکه‌های اجتماعی عمومی نظیر «فیس بوک» یا «توییتر» به وجود آمدن رابطه دوستی و نزدیکی با دیگران است که این موضوع در شبکه‌های اجتماعی علمی صدق نمی‌کند. همچنین، جامعه پژوهش حاضر فقط شامل پژوهشگرانی است که برای ایشان اشتراک دانش به منظور ایجاد رابطه دوستی و نزدیکی دارای اهمیت

نیست و دستیابی به اهداف مشترک علمی دارای اهمیت بیشتری است. نتیجه به دست آمده را می‌توان این‌گونه تبیین کرد که برای پژوهشگران، همان‌طور که در ادامه نیز خواهد آمد، اشتراک و تبادل دانش تخصصی به منظور دستیابی به اهداف مشترک علمی و پیشبرد این اهداف و توسعه علم دارای اهمیت قابل توجهی است که منطقی نیز به نظر می‌رسد. چون هدف اصلی شبکه‌های اجتماعی علمی بر خلاف شبکه‌های اجتماعی عمومی از گرد هم آوردن افراد، ایجاد رابطه علمی در جهت کمک به یکدیگر و دستیابی به اهداف علمی مورد نظر است، نه ایجاد رابطه دوستی یا نزدیکی بین آنان.

بررسی عوامل مشوق اشتراک دانش بین پژوهشگران نشان داد، در صورتی تمایل بیشتری به اشتراک دانش تخصصی در شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته وجود دارد که افراد چشم‌انداز مشترک با دیگر اعضای شبکه داشته باشند. داشتن چشم‌انداز مشترک به معنای داشتن اهداف و ارزش‌های مشترک است. بنابراین، داشتن اهداف، ارزش‌ها و نگرش‌های مشترک بین اعضای شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته در تمایل به اشتراک گذاری دانش و شرکت در فعالیت‌های دانشی پژوهشگران بسیار حائز اهمیت بوده است.

بعد از عامل «چشم‌انداز مشترک»، «عمل متقابل»، «اعتماد و لذت کمک» بیشترین تأثیر را در تمایل به اشتراک گذاری دانش داشته‌اند. در تبیین نتیجه به دست آمده می‌توان گفت، اعضای شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته در صورتی تمایل بیشتری در به اشتراک گذاری دانش تخصصی خود دارند که نسبت به مورد سوء استفاده قرار نگرفتن دانش خود از سوی دیگر اعضای شبکه اطمینان حاصل کرده و احساس امنیت کنند. همچنین، اعضای صورتی به تبادل دانش و شرکت در فعالیت‌های دانشی این شبکه‌ها می‌پردازند که اگر به پرسش‌های دیگران پاسخ دهند و به رفع نیاز دانشی آنان کمک کنند، دیگر اعضای نیز در صورت درخواست، دانش مورد نیاز را در اختیارشان قرار می‌دهند و پاسخگویی پرسش‌های پیش آمده آن‌ها هستند. همچنین، برای اعضای شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته، کمک به دیگر اعضای به واسطه پاسخگویی به پرسش‌ها و رفع نیاز دانشی آن‌ها لذت‌بخش بوده و به همین دلیل، به اشتراک دانش و شرکت در فعالیت دانشی تمایل بیشتری از خود نشان داده‌اند.

نتایج این بررسی قابل مقایسه با نتایج پژوهش‌های زیر است:

«چن» و همکاران در پژوهش خود مهم‌ترین عوامل مؤثر بر رفتار به‌اشتراک‌گذاری دانش در جوامع آموزشی مجازی را «لذت» از اشتراک دانش و «خودکارآمدی» معرفی کردند (Chen and Yu, 2010). «ژائو» در پژوهش خود از جمله عوامل مؤثر بر تمایل در به‌اشتراک‌گذاری دانش در شبکه‌های اجتماعی را «تعهد»، «چشم‌انداز مشترک» و «اعتماد» بیان کرد (Zhao 2010). در پژوهش «لیو، لو و یو» که به بررسی عوامل مؤثر در به‌اشتراک‌گذاری داوطلبانه دانش در وبلاگ‌ها پرداختند، مهم‌ترین عوامل را اعتماد، جریان آزاد اطلاعات و فرهنگ (هنجار) به‌اشتراک‌گذاری دانش بیان کردند (liu, lu and yu 2010). «چو، سو و ونگ» در پژوهش خود، که با هدف بررسی انگیزه‌های افراد در تداوم اشتراک دانش در شبکه‌های اجتماعی حرفه‌ای انجام دادند، دو عامل «لذت کمک به دیگران» و «اعتماد» را مهم‌ترین عوامل دانستند (Chiu, Hsu, and Wang 2006). پژوهشی که «لیائو، تو و سو» برای بررسی عواملی که انگیزه افراد را در به‌اشتراک‌گذاری دانش در شبکه‌های اجتماعی بالا می‌برد، انجام دادند، چهار عامل «لذت کمک»، «فایده»، «خودکارآمدی» و «فرهنگ به‌اشتراک‌گذاری دانش» را از عوامل مهم ذکر کرده است (Liao, To and Hsu 2012). «یائو، تی‌سای و فنگ» عوامل مهم اشتراک دانش در جوامع مجازی را عوامل زمینه‌ای یعنی چشم‌انداز مشترک، اعتماد، تعهد و فرهنگ به‌اشتراک‌گذاری بیان کردند (Yao, Tsai and Fang 2015).

همان‌گونه که مشاهده می‌شود، مؤثرترین عوامل در تمایل به شرکت در فعالیت شبکه‌ها یا به‌اشتراک‌گذاری دانش و تجربه در بیشتر پژوهش‌ها سه عامل «چشم‌انداز مشترک»، «اعتماد» و «لذت» هستند و با نتایج به‌دست آمده از پژوهش حاضر همخوانی دارند. می‌توان دلیل تفاوت‌های کوچکی را نیز که وجود دارند، در سه عامل دانست: عامل اول، جامعه مورد پژوهش که جوامع همه این پژوهش‌ها و به‌دنبال آن نگرش‌های اعضا نیز متفاوت است. عامل دوم، فضای مجازی مورد بحث که در بیشتر پژوهش‌ها همه انواع شبکه‌های اجتماعی در نظر گرفته شده‌اند و می‌توان گفت که شرایط و انگیزه اعضای شبکه‌های اجتماعی مختلف برای شرکت در فعالیت‌های مربوطه متفاوت است و هر شبکه‌ای شرایط مخصوص به خود را دارد. و عامل سوم، گوناگونی اهداف پژوهش‌های ذکر شده است.

با توجه به عوامل مشوق و بازدارنده اشتراک دانش در شبکه‌های اجتماعی علمی

پیوسته، به نظر می‌رسد که پژوهشگران بیشتر تمایل دارند با کسانی که در قلمرو تخصصی خود فعالیت می‌کنند، در ارتباط باشند و به اشتراک و تبادل دانش در فضایی با امنیت بالا بپردازند. در این خصوص سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان توسعه تسهیم دانش می‌توانند با ایجاد زیرساخت‌های فنی لازم در خصوص دستیابی هرچه سریع‌تر و آسان‌تر به این شبکه‌ها در جهت انجام فعالیت‌های دانشی بکوشند. همچنین، می‌توان برای طراحی شبکه‌های اجتماعی علمی-تخصصی پیوسته با امنیت بالا، به‌طوری که امکان حضور پژوهشگران هم‌رشته و با تخصص‌های مرتبط فراهم آید، برنامه‌ریزی‌های لازم به عمل آورد. از طریق معرفی دقیق قابلیت‌ها و توانایی‌های شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته در رفع مشکلات دانشی پژوهشگران، می‌توان با به‌وجود آوردن فرهنگ اشتراک دانش و اعتقاد به این که تسهیم و تبادل دانش باعث افزایش قدرت می‌شود، نه در اختیار گرفتن انحصاری دانش، پژوهشگران را به شرکت در فعالیت‌های دانشی تشویق کرد. از این طریق علاوه بر این که پژوهشگران و انتشارات آن‌ها به جامعه جهانی معرفی می‌شود، با رونق دادن به استفاده از شبکه‌های اجتماعی علمی به اهداف پژوهشی خود با سرعت و کیفیت بهتری دست خواهند یافت.

۷. پیشنهادهای پژوهش:

◆ - پیشنهادهای کاربردی

با توجه به جامعه غیرعضو در شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته، همان‌گونه که در پژوهش «نیازمند» (۱۳۹۲) به حضور ضعیف پژوهشگران ایرانی و در پژوهش Jamali, Nicholas & Herman (2016) به عدم شناخت و استفاده پژوهشگران و دانشمندان اروپایی از امکانات شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته اشاره شده، به نظر می‌رسد که این شبکه‌ها هنوز جایگاه کاربردی و باارزش خود را در بین جامعه پژوهشگران پیدا نکرده‌اند. در این خصوص می‌توان با توجه به نتایج حاصل از پژوهش حاضر پیشنهادهایی را در جهت ترغیب پژوهشگران به استفاده بیش از پیش از این شبکه‌ها ارائه داد. از آن جمله، طراحان و سازندگان شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته می‌توانند با اتخاذ تدابیری در جهت تسهیل دسترسی به این شبکه‌ها از طریق ساده‌سازی صفحه خانگی این شبکه‌ها و وجود راهنمای کامل و آسان بکوشند و با طراحی شبکه‌های اجتماعی علمی تخصصی پیوسته فضایی را برای حضور پژوهشگران هم‌رشته و با تخصص‌های مرتبط فراهم آورند.

همچنین، اطلاع‌رسانان و سیاست‌گذاران امر می‌توانند با برگزاری کارگاه‌ها و همایش‌های مختلف در جهت آگاهی‌رسانی و ترغیب پژوهشگران برای عضویت در این شبکه‌ها به پژوهشگران کمک کنند تا ارتباطات علمی خود را با مراکز علمی داخلی و بین‌المللی افزایش دهند و توانمندی‌های خود را به جامعه جهانی معرفی نمایند. همچنین، می‌توان با ایجاد زیرساخت‌های فنی لازم جهت دسترسی سریع و آسان به شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته در جهت انجام فعالیت‌های دانشی و به‌اشتراک‌گذاری دانش از طریق بالا بردن پهنای باند اینترنت اقدام نمود.

۸. پیشنهادهایی برای پژوهش‌های آینده

با توجه به روند روبه‌رشد توجه به اهمیت شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته در اشتراک دانش تخصصی و نیز با نظر به این که پژوهش‌های بسیار اندکی علی‌رغم گستردگی موضوعات این شبکه‌ها انجام گرفته، می‌توان در پژوهش‌های دیگری به بررسی نقش عواملی دیگر مثل عوامل اجتماعی بر تمایل به اشتراک‌گذاری دانش در شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته پرداخت. همچنین، می‌توان علل عدم حضور و تمایل پژوهشگران ایرانی به حضور در شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته و شرکت در فعالیت‌های دانشی این شبکه‌ها را مورد بررسی قرار داد. بررسی مهم‌ترین عوامل در بازایی مؤثر اطلاعات و چالش‌های پیش روی پژوهشگران در این خصوص در شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته نیز جا دارد مورد توجه خاص قرار گیرد. همچنین، پژوهشی با موضوع نیازسنجی طراحی شبکه‌های اجتماعی علمی تخصصی پیوسته در راستای طراحی این گونه شبکه‌ها نیز می‌تواند مورد نظر قرار گیرد. بررسی تأثیر وزنی هر یک از عوامل مؤثر بر تمایل به اشتراک‌گذاری دانش در شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته و مقایسه این عوامل با یکدیگر و ارائه مدل‌های مربوطه نیز می‌تواند به‌عنوان موضوعی مهم مطرح شود.

فهرست منابع

- اصنافی، امیررضا، مریم سلامی، مهدی سیاح برگرد، و عابدین حسینی آهنگری. ۱۳۹۴. حضور پژوهشگران دانشگاه‌های علوم پزشکی، آزاد و دولتی شهر اهواز در شبکه اجتماعی علمی ریسرچ‌گیت. فصلنامه مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی ۶(۱): ۶۷-۷۳.
- اناری، فاطمه، عاصفه عاصمی، و نصرت ریاحی‌نیا. ۱۳۹۱. بررسی میزان استفاده از ابزارهای شبکه‌های اجتماعی در به‌اشتراک‌گذاری دانش بین کتابداران دانشگاه اصفهان. فصلنامه دانش‌شناسی ۲۰: ۱۰-۲۳.

- بتولی، زهرا و مریم نظری. ۱۳۹۳. بررسی قابلیت‌های شبکه‌های اجتماعی: پژوهش‌هایی جهت تسهیل فعالیت‌های پژوهشی از منظر پژوهشگران قلمرو علوم پزشکی ایران. *مجله دانشکده پیراپزشکی دانشگاه علوم پزشکی تهران (پی‌اورد سلامت)* ۸ (۴): ۳۱۷-۳۲۲.
- داگلاس، سی و گومری، مونت ۲۰۱۲. *خلاصه‌ای بر طرح و تجزیه آزمایش‌ها*. ترجمه محمدرضا دهقانی. ۱۳۹۱. تهران: نشر پلک.
- ستوده، هاجر و یاسمین سعادت. ۱۳۹۴. بررسی گرایش به عضویت در شبکه‌های اجتماعی علمی در میان شیمی‌دان‌های ایران. *تعامل انسان و اطلاعات* ۲ (۳): ۱-۱۲.
- کاظمی، مهدی، طیبه وحیدی مطلق، و سمانه وحیدی مطلق. ۱۳۹۳. بررسی تأثیر عوامل اثرگذار بر اشتراک دانش در جوامع مجازی ایرانی. *پژوهش‌های مدیریت عمومی* ۷ (۲۳): ۱۰۷-۱۲۸.
- نیازمند، محمدرضا. ۱۳۹۲. بررسی تطبیقی میزان استفاده پژوهشگران کشورهای خاورمیانه از شبکه‌های اجتماعی علمی پیوسته. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شیراز.
- Ba, S., J. Stallert, and A. B. Whinston. 2001. Introducing a third dimension in information systems design: the case for incentive alignment. *Information System Research* 12 (3): 225-239.
- Bajaria, H. 2000. Knowledge Creation and Management. *Quality Management Review* 11 (4): 56-69.
- Bartol, K. M., and A. Srivastava. 2002. Encouraging knowledge sharing: the role of organizational reward systems. *Journal of Leadership and Organizational Studies* 9 (1): 64.
- Blau, P. M. 1964. *Exchange and Power in Social Life*. New York: John Wiley.
- Bock, G. W., R. W. Zmud, Y. Kim, and J. Lee. 2005. Behavioral intention formation knowledge sharing: Examining roles of extrinsic motivators, social-psychological forces, and organizational climate. *MIS Quarterly* 29 (1): 87-111.
- Bradach, J. L., Eccles, R. G. (1989). "Price, Authority, and Trust: From Ideal Types to Plural F'orms," *Annual Review of Sociology* 15, 97-118.
- Cabrera, A., W. C. Collins, and J. F. Salgado. 2006. Determinants of individual engagement in knowledge sharing. *International Journal of Human Resource Management* 17(2), 245-264.
- Chen, Ying Hueih, and Shuo Chung Yu. 2010. Trust factors influencing virtual community members: A study of transition. *Journal of Business Research* 631032 1025- .
- Chiu, C. M., M. H. Hsu, E. T. G. Wang. 2006. Understanding knowledge sharing in virtual communities: An integration of social capital and social cognitive theories. *Decision Support Systems* 42(3), 1872-1888.
- Chow, Wing S, and Lai Sheung Chan. 2008. Social network, social trust and shared goals in organizational knowledge sharing. *Journal of Information & Management* 45: 458-465.
- Cohen, D. and L. Prusak. 2001. *In Good Company: How Social Capital Makes Organizations Work*. , Boston, MA: Harvard Business School Press.
- Cummings, J. N. 2004. Work groups, structural diversity and knowledge sharing in a global organization. *Journal of management science* 50: 352-364.
- Dalkir, K. (2005). "Knowledge Management in Theory & Practice", Butterworth-Heinemann Publisher, US
- Davenport, T.H, Prusak, L. (2000), "Working Knowledge: How organizations manage what they know." *Boston: Harvard Business School Press*.

- Denison, D. 1996. What is the difference between organizational culture and organizational climate? A native's point of view on a decade of paradigm wars. *Academy of Management Review* 21 (3): 619-654.
- Fang, Y.-H., & C.-M Chiu. 2010. In justice we trust: Exploring knowledge-sharing continuance intentions in virtual communities of practice. *Computers in human behavior* 26 (2): 235-246.
- Galbraith, J. K. 1967. *The New Institutional State*. Boston, MA: Houghton Mifflin.
- Gray, P. H. 2001. The Impact of Knowledge Repositories on Power and Control in the Workplace. *Information Technology and People* 14(4), 368-384.
- Hall, H., M. Goody. 2007. KM, culture and compromise: Interventions to promote knowledge sharing supported by technology in corporate environment. *Journal of Information Science* 33 (2), 181-188.
- He, W. and K. K. Wei. 2009. What drives continued knowledge sharing? An investigation of knowledge-contribution and -seeking beliefs. *Decision Support Systems* 46 (4): 826-838.
- Hidding, G. J. & S. M. Catterall. 1998. Anatomy of a Learning Organization: Turning Knowledge into Capital at Andersen Consulting. *Knowledge & Process Management* 5 (1): 3-13.
- Hong, Z. D., C. Y. Ping. 2009. *The Influence of Knowledge Sharing in Virtual Communities on Consumers' Brand Trust: An Empirical Study*. International Conference on Networks Security, Wireless Communications and Trusted Computing. Japan. 580-583.
- Hsu, I. C2006 .. Enhancing employee tendencies to share knowledge: case studies of nine companies in Taiwan. *Journal of information management* 26326-338 .
- Huang, Qian, Robert M. Davison, and Jibao Gu. 2008. Impact of personal and cultural factors on knowledge sharing in China. *Journal of Asia Pacific J Manage* 25: 451-471.
- Jamali, H. R., D. Nicholas, E. Herman. 2016. Scholarly reputation in the digital age and the role of emerging platforms and mechanisms. *Research Evaluation* 3 (2), 251-314.
- Jones, M. C., M. Cline, & S. Ryan. 1997. Exploring knowledge sharing in ERP implementation: An organizational culture framework. *Decision Support Systems* 41: 411-434.
- Kankanhalli, A., C. Y. B. Tan, and K. K. Wei. 2005. Contributing knowledge to electronic knowledge repositories: an empirical investigation. *MIS Quarterly* 29 (1): 113-143.
- Khodayi, F. 2009. *Incentive makes for knowledge sharing*. Second public Conference of knowledge management, Tehran.
- Kiesler, C. A. 1971. *The Psychology of Commitment: Experiments Linking Behavior to Belief*. San Diego, CA: Academic Press.
- Ku, E. C. S, and Y. W. Fan. 2009. Knowledge sharing and customer relationship management in the travel service alliances. *Journal of total quality management and business excellence* 20 (12): 1407-1421.
- Liao, Chechen, Pui-Lai To, and Fang-Chih Hsu. 2012. Exploring knowledge sharing in virtual communities. *Journal of Online Information Review* 37 (6): 891-909.
- Lin, C-P. 2007. To share or not to share: Modeling tacit knowledge sharing, its mediators and antecedents. *Journal of Business Ethics* 70: 411-428.
- Lin, T. Ch., Sh. Wub, and Ch. T. Lu 2012. Exploring the affect factors of knowledge sharing behavior: The relations model theory perspective. *Expert Systems with Applications* 39: 751-764.
- Liu, Tsai-feng, Lu, Long-chuan and Yu, Tai-Kuei. 2010. Exploring factors that influence knowledge sharing behavior via weblogs. *Computers in Human Behavior* 26 ,32-41.
- Markus, M. L. 2001. Towards a Theory of Knowledge Reuse: Types of Knowledge Reuse Situations and Factors in Reuse Success. *Journal of Management Information Systems* 18(1), 57-94.
- Mowday, R. T. 1998. Reflections on the study and relevance of organizational commitment. *Human*

- Resource Management Review* 8(4), 387-401.
- Nández, G., & Borrego, Á. (2013). «Use of social networks for academic purposes: a case study». *Electronic Library*, 31(6), 781-791
- Qi, Guojun. 2013. Information trust, inference and transfer in social and information networks. Submitted in partial fulfilment of the requirements for the degree of Doctor of Philosophy in Electrical and Computer Engineering in the Graduate College of the University of Illinois at Urbana-Champaign.
- Ridings, C. M., D. Gefen, and B. Arinze. 2002. Some antecedents and effects of trust in virtual communities. *Strategic Information Systems* 11 (3-4): 271-295.
- Sharratt, M., and A. Usoro. 2003. Understanding Knowledge-Sharing in Online Communities of Practice. *Electronic Journal on Knowledge Management* 1 (2): 187-196.
- Sheng T. F. 2005. *Composite Diversity, Social Capital, and Group Knowledge Sharing: A Case Narration*. India: Operational Research Society Ltd.
- Subramani, Mani R, and Balaji Rajagopalan. 2003. Knowledge-Sharing and Influence in Online Social Networks via Viral Marketing. *Journal of Communications of the ACM* 46: 300-307.
- Thelwall, M., & K. Kousha. 2014. Academia. edu: Social Network or Academic Network? *Journal of the Association for Information Science and Technology* 65 (4): 721-731.
- Wasko, M. M., and S. Faraj. 2005. Why should I share? Examining social capital and knowledge contribution in electronic networks of practice. *MIS Quarterly* 29 (1): 35-58.
- Yao, Chen-yen, Tsai, Chin-chung, Fang, Yen-chiang. 2015. Understanding social capital, team learning, members' e-loyalty and knowledge sharing in virtual communities. *Total Quality Management* 26(6), 619-631.
- Yixiang Zhang, Yulin Fang, Kwok-Kee Wei, and Huaping Chen. 2010. Exploring the role of psychological safety in promoting the intention to continue sharing knowledge in virtual communities, *International Journal Information Management* 30: 425-436.
- Yu, T. K., L. C. Lu, and T. F. Liu. 2010. Exploring factors that influence knowledge sharing behavior via weblogs. *Computers in Human Behavior* 26 (1): 32-41.
- Zhao, Li. 2010. Sharing knowledge in virtual communities: factors affecting a member's intention to share. A Thesis Submitted to the School of Graduate Studies in Partial Fulfillment of the Requirements for the Degree Doctor of Philosophy. McMaster University.

سحر انبارکی

متولد سال ۱۳۶۴، دارای مدرک تحصیلی کارشناسی ارشد در رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی با گرایش مدیریت اطلاعات از دانشگاه شیراز است. مدیریت دانش، شبکه‌های اجتماعی علمی، ارزیابی نظام‌های اطلاعاتی و بازیابی اطلاعات از جمله علایق پژوهشی وی است.



عبدالرسول جوکار

متولد سال ۱۳۲۷ و دارای مدرک تحصیلی دکتری در رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی است. ایشان هم‌اکنون استاد بخش علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه شیراز است. مدیریت دانش، مرجع‌شناسی، روش‌شناسی تحقیق و رفتارهای اطلاعاتی از جمله علایق پژوهشی وی است.

**سعیده ابراهیمی**

متولد سال ۱۳۵۵ و دارای مدرک تحصیلی دکتری در رشته علم اطلاعات و دانش‌شناسی از دانشگاه شهید چمران است. ایشان هم‌اکنون استادیار بخش علم اطلاعات و دانش‌شناسی دانشگاه شیراز است. سنجش علم و فناوری، تئوری‌های استاد، سنجش‌های جایگزین، سنجش و ارزیابی نظام‌های اطلاعاتی و سبیرتیک و ارتباطات از جمله علایق پژوهشی وی است.

